

کاربست نظریه داده‌بنیاد در اکتشاف الگوی توانمندسازی از منابع دینی

محمد علوی / دانشجوی دکتری قرآن و علوم گرایش مدیریت، جامعه المصطفی العالمیه

mtnoroz@yahoo.com

محمدتقی نوروزی فرانی / استادیار گروه مدیریت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

امیر حمزه مهرابی / دانشیار گروه مدیریت، دانشگاه شهید محلاتی قم

دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷ - پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

چکیده

امروزه بومی‌سازی نظریات علوم انسانی یک ضرورت غیرقابل انکار است. برای تحقق این منظور، یکی از رویکردهای مناسب، بهره‌گیری از منابع دینی در عرصه‌های جدید است. اما مسئله اساسی اینجاست که در بهره‌گیری از منابع دینی در عرصه‌های نوین، روش‌های مطلوبی از سوی محققان عرضه نشده است. هدف تحقیق حاضر معرفی و کاربردی نظریه «داده‌بنیاد» به مثابه یکی از روش‌های تحقیق کیفی برای اکتشاف الگوی توانمندسازی منابع انسانی از متون دینی (قرآن و روایات) است. این روش از ظرفیت خوبی برای الگوسازی و نظریه‌پردازی در بهره‌گیری از متون دینی برخوردار است؛ زیرا مراحل اجرایی نظریه «داده‌بنیاد» با فرایند تحقیق از منابع و متون دینی تناسب فراوانی دارد. نتایج تحقیق حاضر به وجود آمدن صدها مفهوم و چندین مؤلفه بود که پس از مشورت با کارشناسان و خبرگان، مفاهیم تبدیل به ۲۴ مؤلفه و مؤلفه‌ها در یک تقسیم‌بندی کلی‌تر با عنوان «متغیرهای چهارگانه» تنظیم شد. در نهایت، کاربردی نظریه «داده‌بنیاد» به منظور اکتشاف الگو از منابع دینی، منجر به طراحی الگوی توانمندسازی مبتنی بر آموزه‌های دینی شده است.

کلیدواژه‌ها: نظریه داده‌بنیاد، توانمندسازی، اکتشاف، منابع دینی.

روش‌های تحقیق، مثل بسیاری از مباحث علمی دیگر، تغییرات زیادی داشته‌اند. به ویژه در قرن‌های پانزدهم و شانزدهم و بعد از آن، این تغییرات همراه با تحولات دنیای «پوزیتیویسم» بسیار مشهود بوده است (خنیفر، ۱۳۸۷). بعد از این مقطع، زمانی در حوزه روش‌شناسی دو رویکرد «اثبات‌گرایی» (positivist Approach) (خردگرایانه) (Rationalistic Approach) و رویکرد «تفسیری» (interpretive Approach) (طبیعت‌گرایانه) (Naturalistic Approach) پدید آمد. رویکرد «اثبات‌گرایی» در مدیریت و سازمان، در مطالعات تیلور (Tylor) و در روان‌شناسی و علوم تربیتی در مطالعات رفتارگرایی واتسون (Watson) و اسکینر (Skner) ظهور کرده (عابدی و شواخی، ۱۳۸۹). سلطه این پارادایم که تحلیل‌های آماری از اصول اساسی آن است، بر تحقیقات علوم انسانی، به ویژه در اواسط قرن بیستم و عدم کفایت آن در توضیح رفتار اجتماعی، موجب شد تا امروزه بر رویکرد اثبات‌گرایی انتقادات عمده‌ای - همچون در نظر نگرفتن بسترهای فرهنگی و تاریخی - وارد شود (فقیهی و علی‌زاده، ۱۳۸۴). برای رفع محدودیت‌های آن حرکت‌های گوناگونی انجام شده است که ارائه رویکرد «تفسیری» از مهم‌ترین آنهاست.

رویکرد تفسیری روش‌های تحقیق کیفی در حوزه علوم انسانی ایجاد کرده است. تحقیق کیفی به هر نوع تحقیقی گفته می‌شود که یافته‌هایی را ارائه می‌دهد که با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی کردن کسب شده‌اند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۵، ص ۱۹). به دنبال زوال رویکرد «اثباتی» و ظهور رویکرد «تفسیری»، روش تحقیق کیفی تا دهه ۱۹۹۰ به شکوفایی خوبی رسید و اکنون در علوم اجتماعی و رفتاری، جایگاه ویژه‌ای دارد، به گونه‌ای که مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای در زمینه‌های گوناگون علوم انسانی را می‌توان با استفاده از همین روش تحلیل کیفی، تجزیه و تحلیل نمود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۳۳۵).

نگارنده با نگاه مثبت و موافقت با این رویکرد به دنبال آن است که ضمن معرفی یکی از روش‌های کیفی به نام نظریه «داده بنیاد» آن را در عرصه جدید، یعنی اکتشاف «الگوی توانمندسازی منابع انسانی» با استفاده از منابع دینی (قرآن کریم و روایات) به کار گیرد.

بیان مسئله

تحقیق حاضر با هدف کشف الگوی توانمندسازی از منابع دینی (قرآن و روایات) انجام شده است؛ اما از یک سو مبانی روش‌شناسی علوم اسلامی با مبانی روش‌شناسی تحقیقاتی که در عرصه‌های گوناگون پژوهشی علوم انسانی رایج به کار گرفته شده متفاوت است، و از سوی دیگر، هرچند از سوی اندیشمندان و محققان مسلمان تاکنون روش‌های تحقیق علمی قابل قبولی ارائه شده است، ولی همچنان در حوزه‌های گوناگون علوم اسلامی، به ویژه در عرصه‌های نوین، نیاز به روش‌های جدید احساس می‌شود؛ زیرا روش‌های تحقیق و پژوهش که از قدیم تاکنون در حوزه‌های معارف دینی به کار گرفته می‌شده غالباً فقط نیازهای پژوهشی فقه را پوشش می‌دهند و برای استفاده در

علوم جدید ناکافی به نظر می‌رسند (بهروزی‌لک و علی‌یاری، ۱۳۹۶). از این رو، سؤال اساسی این است که با چه روشی می‌توان الگوی توانمندسازی را از منابع دینی (قرآن و روایات) کشف کرد؟ و اصولاً متغیرهای توانمندسازی، به‌ویژه عوامل مؤثر بر توانمندسازی چیست؟

برای رسیدن به این هدف، استفاده از روش‌های پژوهش کیفی جدید و بومی‌سازی آنها یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است؛ چنان‌که برخی از محققان می‌گویند: «برای نظریه‌پردازی از منابع دینی، بهتر است به روش تحقیقات کیفی از نوع استقرایی روی آورد» (کافی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۵). در این زمینه یکی از روش‌های کیفی که در بسیاری از حوزه‌های پژوهشی توجه ویژه‌ای نیز به خود جلب کرده روش نظریه «داده‌بنیاد» است؛ روشی که از انعطاف و قابلیت خوبی برای استفاده در حوزه‌های علمی - پژوهشی، به‌ویژه در متون اسلامی برخوردار است، به‌گونه‌ای که محقق می‌تواند با تبیین و توسعه این روش و بومی‌سازی آن، گامی مؤثر در جهت بازخوانی و به‌رمندی از متون دینی بردارد. البته باید توجه داشت که مهم‌ترین گام در جهت فراهم شدن زمینه برای اکتشاف الگو (نظریه) از منابع دینی، آشنایی و معرفی رویکردهای موجود در فرایند پژوهش علوم جدید مبتنی بر منابع دینی و اسلامی است؛ چنان‌که برخی از محققان گفته‌اند: «ارتباط دین با علوم جدید، متأثر از رویکردهای رابطه علم و دین است» (باقری، ۱۳۸۲، ص ۲۱۴). در یک تقسیم‌بندی کلی، این رویکردها را می‌توان به چهار دسته اصلی (تأییدی، تهذیبی، استنباطی و تأسیسی) طبقه‌بندی کرد.

رویکردهای اکتشاف نظریه از منابع دینی

برای کشف الگو (نظریه) از منابع دینی، چهار رویکرد وجود دارد که در ذیل به آنها اشاره می‌گردد:

۱. رویکرد تأییدی (Verification Approach)

محققانی که اعتقاد به رویکرد تأییدی دارند، در تحقیقات خود علوم جدید را مبنای کار قرار می‌دهند. تمام اصول، فنون و روش‌های رایج در آن به‌مثابه مفروضات اولیه پذیرفته می‌شود و از متون اسلامی شواهدی برای تأیید این مفروضات پیگیری می‌گردد. «این رویکرد می‌کوشد علوم جدید را با انجام اصلاحات، یا حذف بخش‌هایی از آن از یک‌سو، و تحمیل برداشت‌ها و تفسیرهای شخصی بر متون دینی از سوی دیگر، آن علم را به تأیید دین برساند و اثبات کند که در دین نیز چنین علومی بوده است» (مهرابی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۵).

موضع‌گیری رویکرد تأییدی نسبت به علم، دفاعی است. این رویکرد دین را تابع علم در قضایای تجربی می‌داند. پیش‌فرض ناخودآگاه در چنین رویکردی آن است که علم تجربی جدید دانشی موجه و مقبول است. در صورتی که در دین نیز سخنانی اینچنینی وجود داشته باشد می‌توانیم بگوییم که دینی موجه و معقول داریم (حجازی‌فر، ۱۳۹۶). متأسفانه مطالعاتی که تاکنون در ایران در حوزه‌های علوم انسانی صورت گرفته بیشتر با همین رویکرد است؛ زیرا در این مطالعات کار مبنایی محکمی انجام نشده است. تنها کاری که صورت پذیرفته این است که نتایج

مطالعات را با صفت «اسلامی» به جامعه هدف عرضه کرده است؛ مثلاً گفته است: «مدیریت اسلامی»، «اقتصاد اسلامی»، «جامعه‌شناسی اسلامی» و مانند آن. در این مطالعات کار اساسی صورت نگرفته است. گرچه در این اواخر به این رویکرد در ایران نقدهای زیاد وارد شده و عملاً در حال عبور از این رویکرد هستیم.

۲. رویکرد تهذیبی (approaches to civilization)

براساس این رویکرد، نظریه دینی از دو طریق به‌دست می‌آید: یا از طریق پالایش و پیرایش علوم رایج (تهذیبی)، یا از طریق تهذیب و پالایش علوم رایج و جبران کاستی‌ها با آموزه‌های اسلامی (حیدری‌فر و عالی‌نژاد، ۱۳۹۴)، رویکرد «تهذیبی» با ویژگی اصلی قبول چهارچوب کلی علم نوین که درصد پیرایش و دینی کردن آن است، معرفی شده است (نورعلی‌زاده، ۱۳۹۶). این رویکرد یکی از رویکردهای اسلامی‌سازی یا بومی‌سازی علم و معرفت است که با عنوان «اسلامی‌سازی معرفت/علوم» از آن یاد می‌شود (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۷). این رویکرد بین اندیشمندان اسلامی طرفداران زیادی دارد که از جمله می‌توان به اسماعیل فاروقی، ابوالاعلا مودودی و محمد تقیب عطاس اشاره کرد.

اسماعیل فاروقی می‌گوید: برای اسلامی‌سازی علوم جدید باید فرهنگ هریک از رشته‌های علمی جدید را بازسازی کنیم، به گونه‌ای که حاوی اصول اسلام در روش‌شناسی باشد. به عقیده وی، «اسلامی‌سازی معرفت» شرطی اساسی برای کامیابی طرح سازندگی امت اسلامی است (فاروقی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۴). نظریه «اسلامی‌سازی معرفت» که توسط اسماعیل فاروقی ارائه شده، صرفاً یک نظریه نیست، بلکه دارای راهکارها و برنامه‌های عملی نیز هست؛ زیرا به واقعیت‌های عینی جامعه علمی مسلمانان نظر دارد (قربانی، ۱۳۹۳).

محمد تقیب عطاس برای اسلامی‌سازی علوم دو مرحله قائل است: مرحله نخست پاک‌سازی علوم از آلودگی‌های تمدن غربی، و مرحله دوم غوطه‌ورسازی علوم در مفاهیم کلیدی فرهنگ اسلام (خسروپناه، ۱۳۹۲). به عقیده وی دوگانه‌انگاری واقعیت و حقیقت، دوگانه‌انگاری فکر و جسم یا تفاوت میان عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی باید از پیکره علوم جدا شود (عطاس، ۱۳۷۴، ص ۶۳).

بر مبنای این رویکرد، علوم انسانی رایج آمیخته‌ای از گزاره‌های درست و نادرست است که برای اسلامی ساختن آن، تصحیح، تهذیب، تکمیل و توجیه، ضروری است. تصحیح در جایی است که صحت یک گزاره نیاز به قید داشته باشد؛ اما فقط با تهذیب، ساحت علم از گزاره‌های باطل پاک می‌گردد. مراد از «تکمیل»، افزودن داده‌های علمی منابع دین به ساحت علم است (میرسپاه، ۱۳۸۳، ص ۲۰۶).

۳. رویکرد تأسیسی (Founding Approach)

با توجه به تقریرهای گوناگونی که از این رویکرد شده، وجه مشترک همه آنها این است که صاحبان این رویکرد می‌خواهند با ابتنای علم جدید بر مبنای و باورها و ارزش‌های دینی، طرحی نو دراندازند و در علوم جدید برای تولید علم دینی تحولی ایجاد نمایند (نورعلی‌زاده، ۱۳۹۶). اما چطور این تحول در علوم جدید به منظور تولید علم دینی (نظریه) انجام شود؟ در این باره نظریات و دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده است. برخی معتقدند: تولید علم دینی

مبتنی بر تولید مبانی علم از منابع دینی و متناسب با جهان بینی اسلامی است. برخی دیگر در تولید علم دینی، قائل به تحول در «روش» هستند؛ به این معنا که در تولید علم دینی، روش تولید علم دینی برگرفته از روش فقاهتی و توسعه آن است (ابراهیمی‌پور و محبی، ۱۳۹۴).

در نگاه اول، به نظر می‌رسد علوم انسانی مدرن مبتنی بر یک مجموعه مفاهیم پایه و بنیادین فلسفی و متافیزیک است که چهارچوب های نظری خود را از آنها می‌گیرد. بدین‌روی در تولید علم دینی باید به این مسئله توجه شود؛ زیرا «هرگونه سخنی از تحول در علوم انسانی موجود، جز از طریق تحول در مبانی این علم ناممکن خواهد بود» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸). اما در نگاه دوم، باور بر این است که هر علم و معرفتی در منظومه فکری خاصی شکل می‌گیرد و روش‌شناسی علم نیز تابع همان منظومه و الگوست.

امروزه بسیاری از دیدگاه‌ها و رویکردها در علوم انسانی، به‌ویژه در حوزه روش، هرچند در فضای اسلامی و دینی تکوین یافته‌اند، اما به‌سبب بی‌توجهی به مسئله فوق، به‌صورت ناخودآگاه تحت تأثیر دیگر پارادایم‌ها قرار گرفته‌اند و پارادایم نامطلوب به جای پارادایم مطلوب بر علم و نظریه حاکم شده است (علی‌تبار فیروزجانی، ۱۳۹۵). از این‌رو، باید روش نظریه‌پردازی برای تولید علوم اسلامی در یک منظومه فکری - اسلامی و با رعایت اقتضاهای آن تحقق یابد تا وجه دینی و اسلامی آن تضمین گردد.

۴. رویکرد استنباطی (Inferential approach)

دو تقریر ذیل از معروف‌ترین تقریرهای این رویکرد است:

یکی از تقریرها این است که دین مشتمل بر همه کلیات و جزئیات علوم گوناگون است. تقریر دیگر اینکه در دین فقط اصول و کلیات علوم بیان شده و با روش اجتهادی می‌توان به جزئیات و تفصیل آنها دست یافت. براساس تقریر اول، «این رویکرد مبتنی بر نظریه ناطق بودن قرآن، معتقد است که قرآن کریم در باب هر حقیقتی در هستی سخنی گفته است؛ سخنی ثابت، روشن و استوار» (باقری، ۱۳۷۴). این کتاب الهی در باب هر حقیقتی در هستی سخنی گفته است و هیچ حقیقتی از حقایق هستی در قرآن مغفول نمانده است. براساس این دیدگاه، دین (اسلام) مشتمل بر همه اصول و جزئیات آن چیزهای است که بشر در حوزه‌های گوناگون معرفتی به آنها نیاز دارد؛ چنان‌که قرآن خود به نطق علی‌الاطلاق خویش در خصوص حقایق هستی اشاره کرده است؛ از جمله آنجا که می‌فرماید: «وَ لَارْطَبُ وَ لَا یَاسِسُ إِلَّا فِی کِتَابِ مُبِیْنٍ» (انعام: ۵۹)؛ «وَ نَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْکِتَابَ تَبِیَانًا لِّکُلِّ شَیْءٍ» (نحل: ۸۹)؛ «مَا فَرَطْنَا فِی الْکِتَابِ مِنْ شَیْءٍ» (انعام: ۳۸). بنابراین اگر قرار باشد نظریه دینی فراهم آید باید کوشید تا با مطالعه دقیق متون دینی (قرآن کریم و روایات) مواد علم مورد نظر از آنها استنباط و استخراج گردد و سپس با تألیف و سازماندهی آنها پیکره علم مورد نظر سامان یابد.

اما براساس تقریر دوم، قرآن خود سخن نمی‌گوید؛ صامت است؛ باید آن را به سخن درآورد و «استنتاج» کرد تا بتوان از آن بهره گرفت. توصیه حضرت علی علیه السلام به این کار «فاستنتقوه» (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، ۲۱۰) نیز نشان

می‌دهد درهای ناگشوده‌ای در بطون قرآن وجود دارد که بی‌توسل به استنتاج نمی‌توان آنها را به چنگ آورد. پیش‌فرض نظر دوم این است که نظریه اسلامی به صورت پراکنده و متفرق در متون دینی بیان شده است؛ کاری که نظریه پرداز باید انجام دهد اکتشاف و استنباط و غبارزدایی از چهره آن است (صدر، ۱۴۱۰ق، ص ۳۶۷). بنابراین، فراهم آوردن نظریه دینی در گرو آن است که اصول و کلیات آن از متون دینی استخراج و سپس به شیوه‌ای استنباطی به کمک آن اصول و کلیات موضوعات و یافته‌های جزئی مشخص شود.

بدین‌رو می‌توان گفت: روش «استنباطی» - در واقع - یک مبنا و دو مؤلفه دارد: مبناي آن عبارت از این است که دین مشتمل بر اصول و کلیات همه علوم است و مؤلفه اول آن کشف اصول و کلیات از منابع دینی و مؤلفه دوم تفریح فروع از اصول توسط روش اجتهادی است.

رویکرد برگزیده

رویکرد پژوهش حاضر «استنباطی» است که در اینجا معادل همان روش «استنتاجی» در نظر گرفته شده است. روش «استنتاجی» عبارت است از: «عمل گفت‌وگو با قرآن و به سخن درآوردن آن و به کار بردن متن قرآنی در راه کشف حقیقتی از حقایق بزرگ زندگی» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ص ۱۶۳). در این روش محقق قرآن این متن الهی را به نطق درآورده و با ضمیمه نمودن تجارب بشری به آن، تمام آیات مرتبط با آن موضوع را به شکل مجموعی مورد مطالعه قرار می‌دهد (صدر، ۱۳۸۱، ص ۳۳).

واژه «استنتاج» را برخی (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۱۶۶) معادل «تفسیر قرآن به قرآن»؛ برخی (جوادی آملی، ۱۳۸۶الف، ص ۱۱۵) «تأویل و معانی باطنی»؛ برخی (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۶) به معنای «استنباط» و برخی (شهید صدر) به معنای «تفسیر موضوعی» گرفته‌اند. مرحوم شهید صدر می‌گوید: مراد از «استنتاج» تفسیر موضوعی قرآن است، به گونه‌ای که با مطالعه اوضاع جوامع هر عصر، مسائل و موضوعات گوناگون معلوم گردد و سپس با عرضه به قرآن به شکل سؤال، پاسخش دریافت شود (صدر، ۱۴۲۸ق، ص ۲۶). در کلام محققان و اندیشمندان گفته می‌شود: تفسیر موضوعی دو وجه معنایی دارد. غالب عالمان تفسیر موضوعی را عبارت از این می‌دانند که مجموعه آیات قرآن کریم حول یک واژه یا موضوع فراهم آیند و تفسیر شوند. اینها از نوع دیگری از تفسیر به نام «تفسیر عصری» نیز سخن می‌گویند که ناظر بر هر عصر و زمان و مشکلات آن و عرضه این مسائل به قرآن است (شاکر، ۱۳۸۹، ص ۶۷).

اینکه مرحوم شهید صدر می‌گوید: «استنتاج» معادل تفسیر موضوعی است، مرادش همین نوع دوم است. در این نوع تفسیر، مفسر به جای تفسیر تک تک آیات، در پی دستیابی به نظر قرآن درباره یک موضوع مشخص است (صدر، ۱۴۰۹ق، ص ۳۰). به عقیده ایشان تفسیر موضوعی تنها آیات ناظر به یک موضوع (تفسیر آیات متحد الموضوع) نیست، بلکه تفسیر موضوعی در جواب یک مشکل یا مسئله انجام می‌شود. آنچه را مرحوم شهید صدر «تفسیر موضوعی» می‌نامد، معادل همان «تفسیر عصری» است (اخوان مقدم و ایزدی، ۱۳۹۲).

با توجه به هدف پژوهش حاضر که اکتشاف الگوی اسلامی توانمندسازی از منابع دینی است، رویکرد استنباطی به این علت انتخاب شده که این هدف بیشترین همخوانی را با این رویکرد دارد؛ زیرا فرورفتن در متون اسلامی تنها راه آگاهی از موضع اسلام درباره موضوع خاص (توانمندسازی) است (صدر، ۱۴۲۸ق، ص ۴۲).

محقق در تعامل با نصوص دینی (آیات و روایات) دو کار می‌تواند انجام دهد: یکی استنباط احکام فردی، و دیگری دستیابی به نظریات دینی. نظریه‌پردازی براساس نصوص اسلامی به معنای فهم نصوص شریعت به قصد کشف نظریات اسلامی در حوزه‌های گوناگون است (رفاعی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۲۵).

بدین‌روی نگارنده این سؤال را که «الگوی توانمندسازی منابع انسانی از نظر اسلام چیست؟ به قرآن کریم و روایات عرضه کرده است و با رویکرد «استنباطی» و با بهره‌گیری از روش نظریه «داده بنیاد» که قرابت زیادی نیز با این رویکرد دارد، درصد یافتن الگوی اسلامی توانمندسازی برگرفته از منابع دینی (قرآن و روایات) است.

معرفی روش‌شناسی نظریه گراند تئوری

برای واژه «grounded theory»، معادل‌هایی همچون «نظریه داده‌بنیاد» (خائف‌الهی و همکاران، ۱۳۹۰)؛ «نظریه بنیادی» (دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۱۳۰)؛ «نظریه زمینه‌ای» (فقیهی و علی‌زاده، ۱۳۸۴)؛ و «گراند تئوری» (منصوریان، ۱۳۸۵) بیان شده است. اما تاکنون روی هیچ‌کدام به صورت مشخص، توافق و اجماعی حاصل نشده است. باین‌حال به نظر می‌رسد از بین این مفاهیم موجود، «نظریه داده‌بنیاد» با واژه «گراند تئوری» همسان‌تر باشد. بدین‌روی در تحقیق پیش‌رو از این دو مفهوم به صورت مترادف به عنوان معرف روش تحقیق استفاده شده است.

«گراند تئوری» عبارت است از: «فرایند ساخت یک نظریه مستند و مدون از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری شده به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوین در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون آن هستند» (منصوریان، ۱۳۸۵، ص ۵).

پاول می‌گوید: «گراند تئوری» روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را طی یک فرایند منظم، به‌جای استنتاج از پیش فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها یا چهارچوب‌های نظری موجود، به‌طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند (پاول، ۱۹۹۹، ص ۶۷). در این روش تحقیق پژوهشگر تا زمانی که به اطمینان نرسد، همچنان نمونه‌برداری را ادامه می‌دهد (دانایی‌فر، ۱۳۸۴). اطمینان زمانی ایجاد می‌شود که محقق از تبیین نظری تحقیق اعتماد یابد (فصیحی، ۱۳۹۰).

تحلیل داده‌ها در این روش مبتنی بر سه عنصر اصلی (رمزها، مفاهیم و مقوله‌ها) است (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶).

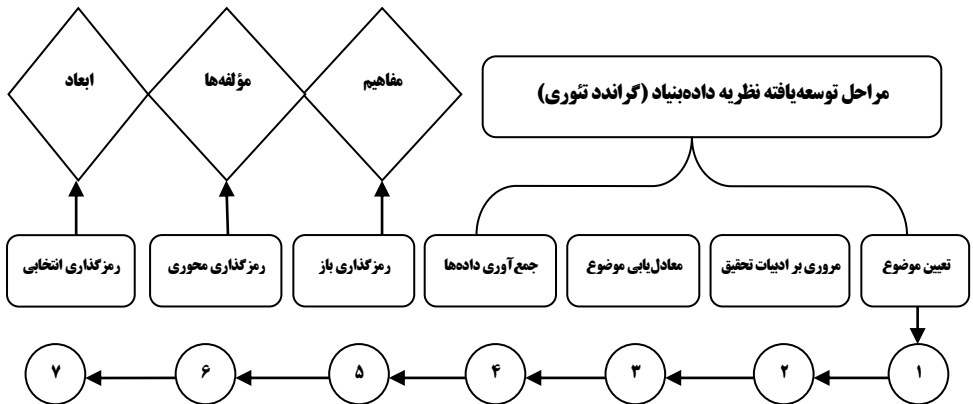
سابقه نظریه «داده‌بنیاد» به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد؛ هنگامی که دو پژوهشگر آمریکایی به نام‌های باری گلیسر (۱۹۳۰) و آنسلم اشتراس (۱۹۱۶) در حوزه مطالعات پرستاری و پیراپزشکی درباره ایده‌ها و نگرش‌های بیماران بستری در مرکز درمانی دانشگاه ایالت کالیفرنیا در سانفرانسیسکو تحقیق می‌کردند. این دو تن در سال ۱۹۶۷ با انتشار کتابی با عنوان **کشف گراند تئوری** مفاهیم پایه و کلیات روش‌های خود را تشریح کردند. در این کتاب

«روش تحقیق مستمر» به عنوان «نظریه پردازی داده‌بنیاد» نامیده شد. کتاب مزبور ایده‌های اصلی نظریه‌پردازی «داده‌بنیاد» را پایه‌ریزی کرد و راهنمای روش کار انبوهی از پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های پژوهشی گردید (کرسول، ۲۰۰۵، ص ۳۹۶؛ فرناز، ۲۰۰۴، ص ۸۴). نام‌گذاری این روش به «نظریه‌پردازی داده‌بنیاد» به آن علت بود که نظریه‌هایی که درباره مسائل پژوهش ایجاد می‌شوند نه با تکیه بر نظریه‌های قبلی، بلکه با تکیه بر داده‌های به‌دست‌آمده متبلور می‌شوند. منظور از «نظریه» در این روش تحقیق، نظریه‌های کلی و جامع نیست، بلکه الگویی/مدلی برای توضیح داده‌های گردآوری شده است (حسرتی، ۱۳۸۵).

مراحل و فرایند توسعه یافته نظریه داده‌بنیاد

استفاده از نظریه «داده‌بنیاد» به روایت/اثر/سوس و کریبن در حوزه مطالعات اسلامی به‌منظور اکتشاف الگو (نظریه) نیازمند برخی تغییرات در مراحل گوناگون این نظریه است؛ همان‌گونه که خود/اثر/سوس و کریبن در کتابشان گفته‌اند: خوانندگان ما با مطالب این کتاب - به‌واقع - مثل بساط غذاهای سرد هتل‌ها رفتار می‌کنند و از میان آنچه بر خوان گسترده است، موافق ذائقه خود برمی‌گیرند (اثر/سوس و کریبن، ۱۳۹۱، ص ۳۰). به‌همین سبب، در تحقیق حاضر، برای تدوین الگوی توانمندسازی از منظر اسلام از روش تحقیق توسعه‌یافته نظریه «داده‌بنیاد» استفاده شده است.

فرایند و مراحل توسعه‌یافته نظریه «داده بنیاد» به شرح ذیل است: (۱) تعیین موضوع؛ (۲) مرور ادبیات تحقیق؛ (۳) معادل‌یابی موضوع در متون دینی؛ (۴) جمع‌آوری داده‌ها؛ (۵) رمزگذاری باز (open coding)؛ یعنی نام‌گذاری مفاهیمی که بیانگر رویدادهای قطعی پدیده‌ها هستند؛ (۶) رمزگذاری محوری (Axial coding)؛ یعنی رویه‌های که از طریق آنها، داده‌ها در فرایندی مستمر با هم مقایسه می‌شوند تا پیوند بعد از رمزگذاری باز بین مقوله‌ها مشخص شود؛ (۷) رمزگذاری انتخابی (Selective coding)؛ یعنی فرایند انتخاب مقوله محوری، پیوند نظام‌مند آن با دیگر مقوله‌ها، ارزش‌گذاری روابط آنها و درج مقوله‌هایی که نیاز به تأیید و توسعه بیشتری دارند؛ (الگوسازی).



نمودار ۱. مراحل توسعه یافته نظریه داده‌بنیاد

روایی و پایایی تحقیق

محققان کیفی به علت تفاوت فرضیات شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی پارادایم‌های روش کمی و روش کیفی با همدیگر، با استفاده از مفاهیم «روایی» (validity) و «پایایی» (reliability) به‌منابه معیارهای ارزیابی در تحقیقات کیفی مخالفت کرده‌اند (محمدپور، ۱۳۸۸). در این اواخر بیشتر محققان کیفی، نگرش متعادل‌تری نسبت به بحث روایی اتخاذ نموده‌اند. آنها وقتی از روایی یک تحقیق صحبت می‌کنند، معمولاً به واژه‌های همچون «باورپذیری»، «قابل دفاع بودن» و «امانت‌دار بودن» اشاره می‌کنند (فقیهی و علی‌زاده، ۱۳۸۴).

مهم‌ترین معیارهای ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی تا امروز توسط لینکلن و کوبا ارائه شده است. این دو محقق در دهه ۱۹۸۰ از مفهوم «قابلیت اعتماد» برای جایگزینی مفاهیم «روایی» و «پایایی» در پژوهش‌های کیفی استفاده کرده‌اند. آنها معتقدند: معیار «قابلیت اعتماد» دربرگیرنده چهار معیار جداگانه - اما به هم مرتبط - به شرح ذیل است: معیارهای «باورپذیری» (Belief)، «انتقال‌پذیری» (transmissibility)، «اطمینان‌پذیری» (Reliability) و «تأییدپذیری» (Confirmation) (لینکلن و کوبا، ۱۹۸۲).

با پذیرش معیارهای مذکور برای کیفیت‌سنجی یک پژوهش، می‌توان گفت: تحقیق حاضر به‌علت نقل داده‌ها به صورت مستقیم (عین آیات) از اسناد معتبر و انتساب آنها به منبع وحی و نیز استفاده از روش تحقیق نظریه «داده‌بنیاد» که برای افزایش روایی درونی داده‌های یک تحقیق بسیار مناسب است و استفاده از رویه‌های ویژه رمزگذاری و تحلیل نمادها و نشانه‌ها در مرحله تحلیل داده که موجب اطمینان یافتن از قابلیت انتقال یا همان روایی بیرونی می‌شود، از روایی مناسبی برخوردار است. به عبارت دیگر، این تحقیق شاخص‌های «امانت‌داری» (trustworthiness)، «باورپذیری»، «قابل دفاع بودن»، «انتقال‌پذیری» و «تأییدپذیری» را که شاخص‌های روایی هستند، در حد مناسبی داراست.

از طرف دیگر، از آنجاکه روایی بدون پایایی نمی‌تواند وجود داشته باشد، نشان دادن اولی برای اثبات دومی کافی است (مهرابی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۳). در واقع در یک جمله می‌توان گفت: «پایایی» پیامد «روایی» است. با توجه به اینکه طی فرایند این پژوهش، مشورت‌های مستمر با خبره این فن صورت گرفته است، می‌توان گفت: ممیزی تحقیق نیز قابل اطمینان بودن و پایایی پژوهش حاضر را تأیید می‌کند. «ممیزی تحقیق» عبارت است از: «بررسی فرایند و محصول تحقیق توسط داوران برای تعیین سازگاری آنها» (به نقل از: مهرابی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۳؛ مایز و پوپ، ۲۰۰۲، ص ۵۰-۵۲).

مراحل اجرا و کاربست نظریه داده‌بنیاد

کاربست توسعه‌یافته نظریه «داده‌بنیاد» به منظور اکتشاف الگوی (نظریه) توانمندسازی از منابع دینی (قرآن و روایات) مرحله‌ای دارد که در ذیل به آنها اشاره شده است:

مرحله اول: تعیین موضوع

در نظریه «داده‌بنیاد» کلاسیک، محقق کار را با انتخاب حوزه مورد علاقه به منظور تعیین موضوع پژوهش شروع می‌کند، نه با یک مسئله از پیش تعیین شده (گلاسر، ۱۹۹۸، ص ۱۱۸). محقق وقتی وارد موضوع مورد نظر شد، مسئله به تدریج ظاهر خواهد شد (همان، ص ۱۲۲). تا کسی نداند که گم‌شده او چیست و به دنبال چه می‌گردد، طبیعتاً تلاش‌های او نیز هدفمند نخواهند بود. داشتن تصویری روشن از گم‌شده، نقشی کلیدی در پیدا کردن آن دارد (شریفی، ۱۳۹۷). بدین‌روی برای بهره‌گیری از روش «داده‌بنیاد» در متون اسلامی «تعیین موضوع» اولین قدم در راه رسیدن به الگو (نظریه) به‌شمار می‌رود. در تعیین موضوع، محقق باید دل‌مشغولی و دغدغه خاصی داشته باشد که - در اصطلاح - به آن «حساسیت نظری» می‌گویند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰). با توجه به تجربه و علاقه نگارنده به بحث «توانمندسازی»، این موضوع به‌عنوان موضوع تحقیق حاضر در نظر گرفته شد.

در رویکرد استنباطی اکتشاف الگوی (نظریه) دینی براساس نظریه «استنتاج» نیز نقطه آغاز یک موضوع خارجی است. پس از آنکه موضوع مشخص شد باید آن را به قرآن و روایات عرضه کرد تا نظریه اسلامی به‌صورت فراگیر در آن موضوع استخراج شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ص ۱۶۳)؛ زیرا قرآن کتابی صامت است؛ چنانکه امام جواد^{علیه السلام} از امام صادق^{علیه السلام} از پدرش باقرالعلوم^{علیه السلام} نقل می‌کند که فرمود: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ لَيْسَ بِنَاطِقٍ يَأْمُرُ وَ يَنْهَى، وَ لَكِنَّ لِلْقُرْآنِ أَهْلًا يَأْمُرُونَ وَ يَنْهَوْنَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۴۶). امیرالمؤمنین علی^{علیه السلام} نیز در کلامی مشابه می‌فرماید: «هَذَا كِتَابُ اللَّهِ الصَّامِتِ، وَ أَنَا كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۲۴).

مرحله دوم: مروری بر ادبیات موضوع

با توجه به علاقه نگارنده به بحث «توانمندسازی»، ارائه الگوی توانمندسازی منابع انسانی از منظر اسلام در پژوهش حاضر به‌عنوان موضوع تحقیق در نظر گرفته شد. سپس در سیر مطالعات اکتشافی، ادبیات تحقیق در زمینه توانمندسازی مرور شد. هدف از مرور ادبیات موضوع کشف ابعاد و زوایای مبهم بحث و سؤال‌های مهم در آن زمینه و افزایش جولان فکری بوده است؛ زیرا اطلاع از تجارب علمی و ادبیات نظری موجود درباره موضوعی که قرار است بر نصوص عرضه شود، تصریح مسئله و تعمیق درک محقق از موضوع پژوهش را به‌دنبال دارد (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۲۱). در مرور ادبیات تحقیق، سعی شد تا از تأثیرات ناموجه پیش‌فرض‌های پارادایمی و مفروضات ماهوی نظریه‌های موجود بر محتوای تبیین مورد نظر تا حد امکان جلوگیری شود (بستان نجفی، ۱۳۹۵). در سیر مطالعات نظری به تفاسیر قرآن کریم، کتب مدیریت اسلامی و مقالات علمی - پژوهشی که با نگاه مدیریتی درباره «توانمندسازی» مطالب ارزنده‌ای دارند، برای تبیین موضوع تحقیق مراجعه شد. بعد از مطالعات لازم در زمینه ادبیات توانمندسازی معلوم شد که با وجود اهمیت این موضوع و

تلاش‌های نسبتاً خوبی که در ایران در این حوزه انجام شده، ولی هنوز در زمینه ارائه الگوی مطلوب از «توانمندسازی منابع انسانی از منظر اسلام» نواقص زیادی وجود دارد.

مرحله سوم: معادل‌یابی موضوع در منابع دینی

با توجه به اینکه در متون دینی واژه «توانمندسازی» وجود ندارد، برای دستیابی به معادل این واژه از سه روش بهره گرفته شد: مصاحبه با کارشناسان، معنایابی از لغت‌نامه‌ها، و مراجعه به سایر تحقیقات.

در مصاحبه با ده تن از کارشناسان متخصص در حوزه علوم قرآنی و اسلامی، چندین مفهوم به‌عنوان معادل واژه «توانمندسازی» معرفی شد: رشد، تربیت، قدرت، قوت، بَلْع، توفیق، اِسْتَوَى، اَشْدَه، بسطه، سِدَاد، کمال و سعه. در مجموع، همه کارشناسان به نحوی واژه «رشد» را مناسب‌ترین و نزدیک‌ترین مفهوم به واژه «توانمندسازی» معرفی کردند.

در روش دوم، معنایابی از لغت‌نامه‌ها، با مراجعه به کتب لغت و مشخصاً کتاب *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، که مشتمل بر ۳۶ فرهنگ لغت است (مصطفوی، ۱۳۷۵، ج ۱۴، ص ۲۰۳) واژه‌های مذکور بررسی و معنایابی شدند. برابند کار حاکی از معرفی واژه «رشد» به‌عنوان اصلی‌ترین معادل «توانمندسازی» بود.

روش سوم، مراجعه به تحقیقات دیگران، یکی از تحقیقات خوب آثار شهید مطهری است که ایشان در یکی از آثارش در تعریف از «رشد» می‌نویسد: «رشد» یعنی: توانایی، شایستگی و لیاقت اداره و نگهداری و بهره‌برداری از سرمایه‌ها و امکانات مادی یا معنوی که به او سپرده شده است. به تعبیر دیگر، «رشد» یعنی: قدرت اداره و قدرت بهره‌برداری از امکانات و سرمایه‌ها (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۷۵).

یکی دیگر از تحقیقات خوب، کارهای ارزنده‌ای است که توسط دکتر امیرحمزه مهرابی در این زمینه انجام شده است. ایشان برای دستیابی به معادل واژه «توانمندسازی» از چهار روش مصاحبه با کارشناسان، اولویت‌سنجی با تست خبرگی، معنایابی از لغت‌نامه‌ها، و مفهوم‌شناسی اصطلاحی استفاده کرده و نتیجه گرفته است که واژه «رشد» از بین تمام واژه‌های قرآنی که قرابت نسبی با واژه «توانمندسازی» دارند مناسب‌ترین واژه است.

مرحله چهارم: گردآوری داده‌ها و اطلاعات از منابع دینی

بعد از روشن شدن موضوع در نظریه «داده‌بنیاد» مرحله گردآوری داده‌ها فرارسید. در تحقیق حاضر با روشن شدن معادل موضوع، یعنی «رشد»، برای جمع‌آوری داده‌ها، قرآن کریم منبع اصلی در نظر گرفته شده است؛ زیرا بهترین منبع برای شناخت توانمندی‌های انسان است. به قول آیت‌الله جوادی آملی «حقیقت انسان کتابی است نیازمند شرح. شارح این کتاب هم کسی جز مصنف آن، یعنی پروردگار هستی نمی‌تواند باشد؛ زیرا خداوند، هم نویسنده این کتاب است و هم متکلم کلمات آن» (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۱۴، ص ۳۵). در کنار قرآن کریم، کتاب شریف *عمر الحکم* نیز به‌عنوان منبع در نظر گرفته شد.

برای جمع‌آوری داده‌ها، تمام آیات قرآن کریم و کتاب شریف *عمر الحکم* مطالعه شد. در بررسی آیات قرآن کریم و روایات امام علی علیه السلام آن دسته از آیات قرآن و روایاتی که به‌نظر نگارنده احتمال می‌رفت می‌توانند به‌مثابه «حجت» در مسیر کشف الگوی (نظریه) اسلامی توانمندسازی قرار گیرند و نسی مرتبط با موضوع پژوهش به‌شمار آیند، گردآوری شدند، چه نصوصی که مستقیماً مشتمل بر عنوان موضوع بودند یا نصوصی که مفهوماً با موضوع ارتباط داشتند و یا با یکی از ویژگی‌های خاص آن مرتبط بودند.

جمع‌آوری داده‌ها از قرآن و روایات تا جایی ادامه یافت که نگارنده به این نتیجه رسید که ادامه جمع‌آوری داده‌های (آیات و روایات زیادتیر) بیشتر سودی ندارد و موجب افزایش اطلاعات در این حوزه نمی‌شود. به‌عبارت دیگر، جمع‌آوری داده‌ها به «نقطه اشباع» رسید. یکی از نشانه‌های «نقطه اشباع» روبه‌رو شدن با داده‌های تکراری است (سوسا و دیگران، ۲۰۰۶، ص ۳۲۴). تصور غالب این است که اشباع نظری عملاً زمانی اتفاق می‌افتد که دیگر طبقه تازه‌ای از داده‌ها استخراج نشود (کوربین و اشتراوس، ۲۰۰۸، ص ۱۴۶).

درنهایت آیات و روایات در دو بخش دسته‌بندی شدند:

الف) آیات و روایاتی که به‌صراحت به واژه «رشد» و مشتقات آن اشاره داشتند. در این بخش مشخص شد که کلمه «رشد» و مشتقات آن تنها ۱۹ بار در قرآن کریم و قریب ۲۸ بار در کتاب شریف *عمر الحکم* به‌کار رفته است. ب) آیات و روایاتی که به‌نحوی بر مفهوم «توانمندسازی» دلالت داشت. حجم آیات و روایات جمع‌آوری شده که به‌نوعی بر مفهوم «توانمندسازی» دلالت دارند و یا با عوامل مؤثر بر توانمندسازی «رشد»، عوامل زمینه‌ساز توانمندسازی و عوامل بازدارنده توانمندسازی مرتبطاند، بسیارند، به‌گونه‌ای که به‌صدها آیه و روایت می‌توان رسید.

مرحله پنجم: رمزگذاری باز داده‌ها

در رمزگذاری باز، به‌هریک از مضامین جمع‌آوری شده عنوان و رمز داده می‌شود، به‌گونه‌ای که خواننده با مشاهده آن عنوان تا حد زیادی به مفهوم جملات پی می‌برد. برای این کار، محقق داده‌های جمع‌آوری شده را چندبار مرور می‌کند تا به استخراج و انتخاب مفهوم مناسب برای هر یک از آنها برسد. در تحقیق حاضر نیز داده‌های جمع‌آوری شده به‌دقت مطالعه شد و به هر قسمت مناسب از داده‌ها که یک کلمه یا خط یا بند بود یک مفهوم اختصاص داده شد.

رمزگذاری باز تا زمان شناسایی مقوله (مقوله‌های) اصلی ادامه یافت. چند معیار برای انتخاب یک مقوله به عنوان مقوله اصلی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: مرکزی بودن، مرتبط بودن با سایر مقوله‌ها، وقوع مکرر در داده، و صرف زمان بیشتر برای اشباع شدن (صادق وزیری و همکاران، ۱۳۹۴).

از گروه‌بندی مفاهیم، مقوله‌ها (Categories) به‌دست می‌آید. مقوله‌ها از طریق همان فرایند تحلیلی مقایسه‌ها برای برجسته‌سازی شباهت‌ها و تفاوت‌ها تولید می‌گردند که در سطح پایین برای تولید مفاهیم استفاده می‌شوند

(سیف و همکاران، ۱۳۹۳). مقوله‌ها «شالوده» ساختن نظریه هستند و ابزاری را فراهم می‌آورند که به‌وسیله آن نظریه می‌تواند یکپارچه شود (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰، ص ۷).

از این مرحله به بعد، عملاً تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده شروع می‌گردد و سخت‌ترین بخش نظریه «داده‌بنیاد» است، بدین‌روى محقق باید برخی ویژگی‌ها و خصوصیات را داشته باشد تا از عهده این کار به‌خوبی برآید؛ ازجمله اینکه علاوه بر برخورداری از دانش آکادمیک، باید توانایی فهم و استفاده از متون دینی و زبان عربی را نیز داشته باشد. همچنین باید حدیث بودن متن و فهم متن روایی احراز گردد. برخورداری از این توانمندی موجب می‌شود نگارنده برای یافتن مفاهیم موردنظر از متون دینی دچار سردرگمی و حالت تحیر نشود و متوجه گردد که برای یافتن مفاهیم به کدام متن باید مراجعه نماید.

داده‌های جمع‌آوری شده که به صدها آیه و روایت می‌رسید، به دقت چند بار مرور شد و از میان آنها تعداد ۳۰۰ نمونه که به دلالت مطابقی و یا التزامی و تضمینی بر واژه «رشد» دلالت داشتند انتخاب شد. این رمزگذاری (انتخاب مفهوم و عنوان گذاری) به خبرگان نیز ارائه شد که پس از مشورت و تبادل نظر ۲۵۴ نمونه تأیید گردید.

جدول ۱: نمونه‌ای از کدگذاری باز

کد	متن	ترجمه	منبع	مفهوم (رمز)
۱R	وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ	و پلیدی (کفر و گناه) را بر کسانی قرار می‌دهد که نمی‌اندیشند.	یونس: ۱۰۰	ضرورت تعقل
۲R	أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزُكُّونَ أَنفُسَهُمْ	آیا ندیدی آنهایی را که خودستایی می‌کنند؟	نساء: ۴۹	خودستایی
۳R	إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا أَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا	خداوند فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانشان بدهید.	نساء: ۵۸	شایسته‌سالاری
۴R	أَصْلِحِ الْمُسِيءَ بِحُسْنِ فِعَالِكَ	آدم بدکار را به‌وسیله کار نیک خود اصلاح کن.	غرر الحکم، ج ۱، ص ۹۹	الگوی عملی
۵R	وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا	به عهد خود وفا کنید که از وفای به عهد سؤال می‌شود.	اسراء: ۳۴	تعهد و مسئولیت

مرحله ششم: رمزگذاری محوری داده‌ها

رمزگذاری محوری همان فرایند تبدیل مفاهیم به مقوله‌ها یا خلاصه کردن داده‌ها تحت عنوان مقوله‌های اصلی است (گولدینگ، ۲۰۰۲). این مرحله از رمزگذاری به این علت «محوری» نامیده شده است که رمزگذاری حول «محور» یک مقوله تحقق می‌یابد (لی، ۲۰۰۱، ص ۴۹). در این مرحله دسته‌های اولیه مفاهیم که در رمزگذاری باز تشکیل شده‌اند با هم مقایسه گردیده و آنهایی که باهم شباهت دارند، حول محور مشترکی قرار می‌گیرند. توجه به شرایط، زمینه‌ها و پیامدهای هر طبقه در این مرحله ضروری است (دایمن و هالوی، ۲۰۰۲، ص ۱۲۳).

در تحقیق حاضر، تعداد مفاهیم (مضامین) به‌دست‌آمده از آیات و روایات توسط فرایند مرحله رمزگذاری باز زیاد بود، به‌گونه‌ای که تعداد رمزها و مفاهیم به ۲۵۴ مفهوم رسید. به‌همین علت، پس از مرور چندین باره

رمزها و تعیین شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها، برای اینکه نگارنده بتواند با تعداد رمزها و مفاهیم کمتری کار کند سعی شد رمزهایی که محتوای مشترکی دارند با هم ادغام شوند و با رمز مشترک، نام جدیدی برای آنها انتخاب گردد. از این رو با تحلیل مجدد مفاهیم به دست آمده از آیات و روایاتی که در مراحل قبل استخراج شده بودند، ارتباط آنها با همدیگر به صورت سیستمی بیشتر بررسی شد؛ زیرا «برای اکتشاف نظریه لازم است هر نسی را به صورت جزئی از کل و بخشی از یک مجموعه مرتبط به هم نگرست و به عبارتی، نگاه جزئی را به نگاه سیستمی و کلی تبدیل نمود» (آقانظری و خطیبی، ۱۳۹۲، ص ۱۴). این بررسی به گونه‌ای بود که با دسته‌بندی، تلخیص، ترکیب مفاد و درون‌مایه‌های نصوص و قرار دادن آنها در یک دستگاه نظری جامع، هر مفهوم جایگاه مناسب خود را در این دستگاه نظری یافت. در نتیجه از راه تأمل در عناصر رمزگذاری شده از حیث مناسبات منطقی میان آنها، ۲۴ مؤلفه شکل گرفت.

صحت عناوین مؤلفه‌های به دست آمده از رمزگذاری محوری، توسط فن «دلفی» برای خبرگان ارسال شد و از آنها خواسته شد نظراتشان را نسبت به این دسته‌بندی و عناوین و مفاهیم استخراج شده اعلام نمایند. بعد از جمع‌آوری نظریات آنها، نتیجه این شد که بیشتر این دسته‌بندی‌ها تأیید گردید و در بعضی هم اصلاحات لازم اعمال شد. در جدول ذیل، به نمونه‌ای از رمزگذاری محوری در این پژوهش به اختصار اشاره شده است:

جدول ۲: نمونه‌ای از رمزگذاری محوری

مؤلفه‌ها	رمزها (مفاهیم)	شناسه
تشویق و تنبیه	به تأخیر انداختن مجازات + تشویق بیشتر از عملکرد، اما تنبیه فقط به اندازه تخلف + تشویق ترغیب + تشویق و انذار + پاداش براساس کار + تأخیر در مجازات.	۶+۵+۴+۳+۲+۱
تخصص و شایسته‌سالاری	تخصص و شایسته‌سالاری + توجه به عملکرد کارکنان + تعهد ملاک گزینش + ارتقا براساس عملکرد + نقش شایستگی در تصدی مسئولیت + تناسب شغل و شاغل.	۱۳+۱۲+۱۱+۱۰+۹+۸
سبک مدیریت	اصل فرمانبری در سازمان براساس قانون + لزوم اطاعت از مدیر + تدبیر امور و تقسیم وظایف + سبک مدیریت مشارکتی + لزوم مشورت + اهمیت مشورت.	۲۰+۱۹+۱۸+۱۷+۱۶+۱۵

مرحله هفتم: رمزگذاری انتخابی داده‌ها

در نظریه «داده‌بنیاد» رمزگذاری انتخابی روند انتخاب مؤلفه‌های اصلی است، به گونه‌ای نظام‌مند و سپس ارتباط دادن آنها با دیگر مؤلفه‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط و پرکردن جاهای خالی با مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش بیشتر دارند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸، ص ۸۲). در این مرحله، محقق یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها و تبیین ارتباط بین آنها را انجام می‌دهد؛ به این صورت که با ایجاد یک آهنگ و چیدمان خاص در بین مقوله‌ها، آنها را برای ارائه و شکل‌دهی یک نظریه تنظیم می‌کند (بهادری، ۱۳۹۷).

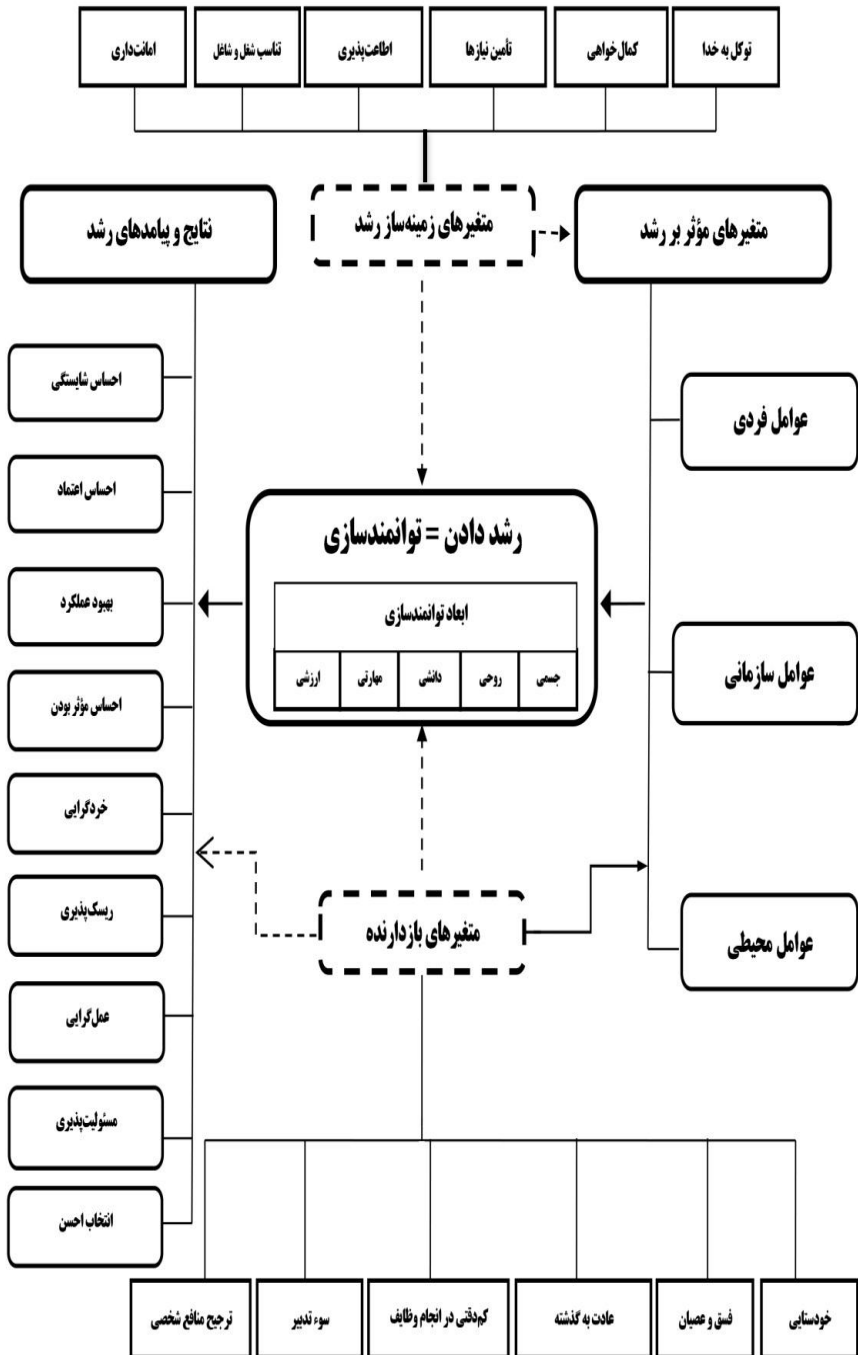
در این مرحله از تحقیق پیش‌رو، سعی شد به ارتباط دادن مؤلفه‌ها به همدیگر توجه جدی صورت گیرد، به‌گونه‌ای که مؤلفه‌ها همچون قطعات یک جورچین به همدیگر ربط داده شوند تا یک کل پیوسته را شکل دهند. همچنین تلاش شد به استحکام بیشتر مفاهیم و مؤلفه‌ها پرداخته شود و داده‌های سازماندهی شده در قالب مؤلفه‌های گوناگون، مجدداً در یک تقسیم‌بندی دیگر در «مقوله» محدودتری دسته‌بندی شوند. از این‌رو، تعداد مؤلفه‌ها که در مرحله قبلی رمزگذاری به ۲۴ نمونه رسیده بود، این‌بار با توجه به وجوه مشترک مؤلفه‌ها (و خرده‌مؤلفه‌های درون آنها) با مشورت‌خواهی از کارشناسان امر و استادان در یک تقسیم‌بندی کلی‌تر، تحت عنوان «مقوله» آورده شدند که در نتیجه مقوله‌های به دست آمده تحت عنوان مقوله (متغیر)های چهارگانه ذیل‌الذکر تنظیم گردید:

جدول ۳: رمزگذاری انتخابی

موضوع	مقوله‌ها	مؤلفه‌ها
توانمندسازی (رشد دادن)	متغیرهای مؤثر	تدبیر و دوراندیشی، همت و پشتکار، تعهد و مسئولیت، تجربه و تخصص، خودباوری و اعتمادبه‌نفس، تعقل و تدبیر، عمل‌گرایی همراه با ایمان، عدالت‌محوری، شایسته‌سالاری، اعتماد و تفویض اختیار، انگیزش، تشویق و قدردانی، تقسیم وظایف و سبک مدیریت، تأمین نیاز.
	متغیرهای زمینه‌ساز	امانت‌داری، توکل به خداوند در انجام وظایف، دقت در انجام وظایف، تقدم منافع سازمان، اطاعت‌پذیری، بخشش و مدارا، کمال‌خواهی، تناسب شغل و شاعر، علم‌خواهی.
	متغیرهای بازدارنده	بی‌دقتی و کم‌حوصلگی در انجام وظایف، بی‌اعتمادی، خودستایی، خودبرتربینی، تملق‌گویی، تقدم منافع فردی بر منافع سازمان، سوء تدبیر، از خودبیگانگی، عدم تخصص، بی‌حالی.
	نتایج و پیامدها	مسئولیت‌پذیری، ریسک‌پذیری، تعهد سازمانی، بهبود عملکرد، باور به امکان‌پذیری حل مشکل، بهبود عملکرد، رضایتمندی، خردگرایی، انتخاب احسن.

مرحله هشتم: ارائه الگوی (نظریه) برآمده از تحلیل داده‌ها

در نظریه «داده‌بنیاد» آخرین مرحله در تحلیل داده‌ها، نگارش و تدوین نهایی نظریه است. بدین‌روی در این مرحله تصویر واقعی‌تری از پژوهش پیش‌روست. محقق در این مرحله یک طرح کلی نظری یا چهارچوب مفهومی برای شکل‌بندی نظریه عرضه می‌کند. طبق گفته برخی محققان، یک پژوهشگر در شیوه نظریه «داده‌بنیاد» می‌تواند نظریه خود را از سه‌راه (نمودار، تشریحی و روایت یک داستان و یا مجموعه‌ای از گزاره‌ها) ارائه نماید (کرسول، ۲۰۰۵، ص ۴۰۵). البته چون طراحی چهارچوب مفهومی که منجر به الگوسازی و ارائه آن برای مخاطبان می‌گردد، نیاز به خلاقیت و آشنایی با فنون بالایی دارد، کاری دشوار است. در پژوهش حاضر در یک بازه زمانی مطلوب با دقت فراوان و مشاوره‌های متعدد با اهل فن و کارشناسان حوزوی و دانشگاهی در نهایت «الگوی مفهومی توانمندسازی» حاصل از اجرای نظریه «داده‌بنیاد» در منابع دینی (قرآن کریم و کتاب شریف *عمر الحکم*) در قالب ذیل نشان داده شده است:



نمودار ۲: الگوی جامع توانمندسازی منابع انسانی از منظر اسلام

نتیجه‌گیری

یکی از روش‌های کیفی که در بسیاری از حوزه‌های پژوهشی توجه ویژه‌ای نیز به خود جلب کرده روش نظریه «داده‌بنیاد» است. این روش می‌تواند همچون پلی بین دو پارادایم گذشته (اثبات‌گرایی) و آینده (پراگماتیسم) ایفای نقش کند. این روش از پارادایم ساختارگرایان غیر منعطف که بیشتر بر آزمون نظریه‌های به‌دست‌آمده از قیاس اکتفا می‌کنند عبور کرده است؛ بدین‌روی از انعطاف و قابلیت خوبی برای استفاده در حوزه‌های گوناگون علمی - پژوهشی، به‌ویژه در منابع دینی (قرآن و روایات) برخوردار است، به‌گونه‌ای که محقق می‌تواند با تبیین این روش و بومی‌سازی آن گامی مؤثر در جهت بازخوانی و به‌کارگیری آن در متون دینی (قرآن و روایات) بردارد.

از سوی دیگر روش نظریه «داده‌بنیاد» از مرحله انتخاب موضوع تا مرحله جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، شباهت زیادی با سیره علمای اسلامی در تحقیقات دارد که در منابع دینی برای اکتشاف نظریه دینی از آن استفاده می‌کنند، از جمله، این روش با روش «استنطاقی» مرحوم شهید صدر شباهت فراوانی دارد. در این تحقیق نشان داده شد که با استفاده از روش نظریه «داده‌بنیاد» و بومی‌سازی آن می‌توان از اطلاعات و داده‌های موجود در منابع دینی (قرآن و روایات) در حوزه‌ها و عرصه‌های جدید که یکی از آن حوزه‌ها مباحث سازمان و مدیریت است، برای اکتشاف الگوی «توانمندسازی منابع انسانی - اسلامی» بهره گرفت. البته در صورت پیمودن یک مسیر درست، الگوی (نظریه) به‌دست‌آمده در زمره نظریات خدشه‌ناپذیر در حیطة تخصصی خود به‌شمار خواهد آمد. بدین‌روی تحقیق حاضر گرچه خالی از نقص نیست، ولی به‌علت آنکه از روایی و پایایی لازم برخوردار است، می‌توان ادعا کرد که الگوی به‌دست‌آمده از این تحقیق قابل اعتماد است و می‌تواند در سازمان‌های اسلامی اجرا شود.

منابع

نهج البلاغه، ۱۳۸۷، ترجمه محمد دشتی، قم، بوستان کتاب.

ابراهیمی پور، قاسم و محمدعارف مجبی، ۱۳۹۴، «تحلیل رویکردهای علم دینی با تأکید بر علوم اجتماعی»، معرفت فرهنگی / اجتماعی، ش ۲۳، ص ۹۵-۱۱۸.

ابراهیمی پور، قاسم، ۱۳۹۷، «بررسی انتقادی ظرفیت‌های رویکرد تهذیبی در اسلامی سازی علوم انسانی، با تأکید بر جامعه شناسی»، مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، ش ۳، ص ۲۳-۴۳.

اخوان مقدم، زهره و مهدی ایزدی، ۱۳۹۲، «ضرورت، ماهیت و روش استنتاج از نظر روایات اهل بیت (ع)»، مطالعات قرآن و حدیث، ش ۱۲، ص ۱۰۳-۱۲۶.

اشتراوس، انسلم و جولیت کوربین، ۱۳۹۱، مبانی پژوهش کیفی، ترجمه ابراهیم افشار، چ دوم، تهران، نشر نی.

اقانظری، حسن و مهدی خطیبی، ۱۳۹۲، «روش شناسی فقه نظریات اقتصادی از منظر شهید صدر»، معرفت اقتصادی، ش ۸، ص ۵-۲۸.

باقری، خسرو، ۱۳۷۴، «هویت علم دینی»، حوزه و دانشگاه، ش ۳، ص ۶-۱۸.

باقری، خسرو، ۱۳۸۲، هویت علم دینی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

بستان نجفی، حسین، ۱۳۹۵، «روش نظریه سازی دینی در علوم اجتماعی»، روش شناسی، ش ۸۶، ص ۱۲۱-۱۴۱.

بهادری، علی، ۱۳۹۷، «پژوهش کیفی داده بنیاد «رمزگذاری» و اهمیت، مراحل و شیوه اجرای آن در کارورزی دانشگاه فرهنگیان»، راهبردهای نوین تربیت معلمان، ص ۶۹-۸۸.

بهروزی لک، غلامرضا و حسن علی یاری، ۱۳۹۶، «کاربرد روش تحقیق نظریه داده بنیاد در استخراج نظریه از متون دینی»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۷۳، ص ۵۴۹-۵۶۶.

جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس بین المللی علوم انسانی اسلامی - درآمدی بر نظریه اسلامی در دانش مدیریت بر مبنای آرای شهید صدر، تهران، آفتاب توسعه.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶ الف، قرآن در کلام علی (ع)، قم، اسلامی.

_____، ۱۳۸۶، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، تحقیق و تنظیم احمد واعظی، قم، اسراء.

_____، ۱۳۹۱، تفسیر موضوعی قرآن کریم، صورت و سیرت انسان در قرآن، ج ۱۴، قم، اسراء.

حافظنیا، محمدرضا، ۱۳۸۲، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چ نهم، تهران، سمت.

حجازی فر، سعید، ۱۳۹۶، «رویکردها و منظومه پژوهشی مطالعات مدیریت اسلامی»، مدیریت اسلامی، ش ۱، ص ۵۷-۸۹.

حرّعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل التبیانه، ج ۲۷، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع).

حسرتی، مصطفی، ۱۳۸۵، «مقدمه‌ای بر روش کیفی نظریه سازی داده بنیاد»، زبان و زبان شناسی، ش ۳، ص ۷۵-۸۶.

حیدری فر، مجید و عالی نژاد، ۱۳۹۴، «اسلامی سازی علوم در پرتو مبانی قرآن کریم»، پژوهش‌های اندیشه قرآنی، ش ۱، ص ۳۷-۶۴.

خانف‌الهی، احمدعلی، رؤیا اسدی فرد و علی رضائیان، ۱۳۹۰، «مدل شایستگی مدیران دولتی ایران (براساس صحیفه امام (ع)) رویکرد استراتژی تئوری داده بنیاد»، مدیریت دولتی (دانشکده مدیریت دانشگاه تهران)، ش ۸، ص ۷۵-۹۲.

خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۲، «مبانی حکمی علم دینی از دیدگاه محمد نقیب العطاس»، حکمت و فلسفه، ش ۳۴، ص ۸۱-۱۰۲.

خنیفر، حسین، ۱۳۸۷، «روش‌های پژوهش: روزنه‌ای به دنیای پژوهش»، پرسیمان، ش ۷۳.

دانایی فر، حسن و سید مجتبی امامی، ۱۳۸۶، «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازی داده بنیاد»، اندیشه مدیریت، ش ۲، ص ۶۹-۹۷.

دانایی فرد، حسن، ۱۳۸۴، «تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم سازی تئوری بنیادی»، دانشور رفتار، ش ۱۱، ص ۵۷-۷۰.

رفاعی، عبدالجبار، ۱۴۲۲ق، منهج الشهدید الصدر فی تجدید الفکر اسلامی، دمشق، دارالفکر.

کاربست نظریه داده‌بنیاد در اکتشاف الگوی توانمندسازی از منابع دینی ❖ ۴۳

- سيف، بهمن، حسن‌علی اکبری، ابوالفضل محمدی و مجتبی اسکندری، ۱۳۹۳، «سبک رهبری فرماندهان نظامی از دیدگاه امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه»، پژوهشی مدیریت اسلامی، س ۲۲، ش ۱، ص ۹-۴۰. شاکر، محمدکاظم، ۱۳۸۹، *مبانی و روش‌های تفسیری*، قم، مصطفی.
- شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۷، «روش اکتشاف نظریه از منابع و متون دینی»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۹۴، ص ۷-۲۱. صادق وزیری، فراز، علی‌اکبر فرهنگی و مهدی کروبی، ۱۳۹۴، «نظریه داده‌بنیاد کلاسیک: شرح مراحل تولید نظریه مرکز ثقلی هویت برند توریسم سلامت ایران»، *مدیریت بازرگانی*، پیاپی ۱، ص ۱۴۵-۱۶۲.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۸۱، *سنت‌های تاریخ در قرآن*، ترجمه و تحقیق سیدجمال‌الدین موسوی، چ سوم، تهران، تقاهم.
- ____، ۱۴۰۹ق، *السنن التاریخیه فی القرآن*، دمشق، دارالتعارف.
- ____، ۱۴۱۰ق، *اقتصادنا*، در: مجموعه‌الکامله لمؤلفات السید محمدباقر الصدر، ج ۱۰، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- ____، ۱۴۲۴ق، *المدرسة القرآنیة*، تهران، دارالکتب اسلامی.
- ____، ۱۴۲۸ق، *المدرسة القرآنیة*، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید صدر.
- طباطبائی، محمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۷، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- عابدی، احمد و علیرضا شواخی، ۱۳۸۹، «مقایسه روش‌شناسی پژوهش کمی و کیفی در علوم رفتاری»، *راهبرد*، ش ۵۴، ص ۱۵۳-۱۶۸.
- عطاس، محمدنقیب، ۱۳۷۴، *اسلام و دنیوی گری (سکولاریسم)*، ترجمه احمد آرام، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و مؤسسه اندیشه و تمدن اسلامی کوالالامپور.
- علی‌تبار فیروزجانی، رمضان، ۱۳۹۵، «روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی - مختصات، بایستگی‌ها و ویژگی‌ها»، *ذهن*، ش ۶۸، ص ۱۴۷-۱۷۶.
- فاروقی، اسماعیل، ۱۳۸۵، «توضیحاتی ناگزیر» *اسلامی‌سازی معرفت*، تدوین و ترجمه مجید مرادی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فصیحی، امان‌الله، ۱۳۹۰، «مدیریت کیفیت در تحقیق کیفی با تأکید بر گراند تئوری و اثنوگرافی»، *عیار پژوهش*، ش ۶، ص ۴۵-۶۶.
- فقیهی، ابوالحسن و محسن علی‌زاده، ۱۳۸۴، «روایی در تحقیق کیفی»، *فرهنگ مدیریت*، ش ۹، ص ۵-۱۹.
- قربانی، قدرت‌الله، ۱۳۹۳، «اسلامی‌سازی معرفت: بررسی دیدگاه‌های اسماعیل راجی الفاروقی»، *پژوهش‌های علم و دین*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۱۰، ص ۱۳۱-۱۵۱.
- کافی، مجید، ۱۳۹۳، «پارادایم اسلامی روش‌شناختی علوم انسانی»، *اسلام و علوم اجتماعی*، ش ۱۱، ص ۲۵-۵۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، ج ۱، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- محمدپور، احمد، ۱۳۸۸، «ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی اصول و راهبردهای اعتباریابی و تعمیم‌پذیری»، *علوم اجتماعی*، ش ۴۸، ص ۷۳-۱۰۴.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۷۵، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مظهری، مرتضی، ۱۳۸۱، امدادهای غیبی، چ سیزدهم، قم، صدرا.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۷، *التفسیر الاثری الجامع*، قم، مؤسسه التمهید.
- منصوریان، یزدان، ۱۳۸۵، «گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟»، *ویژه‌نامه علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی*، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- مهرابی، امیرحمزه، ۱۳۹۳، *توانمندسازی در نظام ارزشی اسلام*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- میرسپاه، اکبر، ۱۳۸۳، *انقلاب فرهنگی و اسلامی‌شدن رشته‌های علمی: درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه‌پردازی در علوم دینی*، دبیرخانه نهضت آزاداندیشی، قم، حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.
- نورعلی‌زاده، فرشته، ۱۳۹۶، «نقدی بر رویکردهای امکان و تولید علم دینی»، *پژوهش‌های علم و دین*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۸، ش ۲، ص ۸۹-۱۱۲.

- Corbin, J, & Strauss, A, 2008, Basics of qualitative research (3e), Techniques and procedures for developing grounded theory, Thousand oaks, USA, Sage.
- Creswell, J. W, 2005, Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research (2nd edition).
- Daymon Ch. Holloway I, 2002, Understanding, Managing, and Implementing Quality: Frameworks, Techniques and Cases, Routledge.
- Fernández, Walter D, 2004, Using the Glaserian Approach in Grounded Studies of Emerging Business Practices. Electronic Journal of Business Research Methods, 2 (2).
- Glaser, B, 1998, Doing grounded theory: Issues and discussions, Sociology Press. Mill Valley, CA.
- Goulding, Ch, 2002, Grounded Theory A Practical Guide for Management, Business and Market Researchers, SAGE Publications.
- Guba, E. G, & Lincoln, Y. S, 1982, Epistemological and methodological bases of naturalistic inquiry. ECTJ, 30(4), p.233-252.
- Lee, J, 2001., A Grounded Theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Nebreska, In Proquest UMI Database
- powell, R, 1999, "The psychology of Religion and Spirituality? Yes And No" The international Journal of the psychology of Religion, vo1,no.1, p.3-16.
- Sousa, C. A. & p. H. J. Headriks, 2006, "The Need for Grounded Theory in Developing Knowledge Based View of organization Research Methods", vol,9,no.3, p.315-338.
- Strauss, Anselm L, & Corbin, Juliet, 1990, Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques, Sage.
- Strauss, Anselm L, & Corbin, Juliet, 1998, Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, 2nd Ed, Sage.
- Mays, N. G .pope, 2002, "Assessing Quality in Qualitative Research", British Medical Journal, Jan.1, p.52-52.